

بسم الله الرحمن الرحيم

تمدن اسلامی و تمدن غربی در پسا کرونا: علی افتخاری دانشجوی دکتری تخصصی فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه
ادیان و مذاهب

مقدمه

واژه تمدن در نیم قرن اخیر از پرکاربردترین واژگانی است که در علوم انسانی و علوم اجتماعی به کار رفته و به دلیل تنوع گرایش‌ها و رشته‌ها در علوم یادشده، برداشت‌های متفاوت و تعاریف مختلفی از آن ارائه شده است. مراد ما از تمدن غربی، تمدن به اصطلاح مدرن غربی است که از اوایل سده هفدهم میلادی در غرب پدیدار شد و تا کنون ادامه دارد؛ منظور ما از تمدن اسلامی، تاریخ تمدن اسلام و تجربه تمدنی گذشته مسلمانان نیست، تمدن اسلامی تمدنی است که آموزه‌های فکری آن توسط بنیان‌گذار آن حضرت محمد بن عبدالله نهاده شده است، و در قرآن و سنت تبلور یافته است و در چند سال حکومت حضرت علی بن ابیطالب (ع) عدالت انسانی آن را مسلمانان تجربه کرده‌اند و فرمول آن در مکتب عاشورا تجلی کرد و در حال حاضر اربعین حسینی بهترین جلوه‌گاه و نمود و نماد

تمدن اسلامی است و در روزگاری در کل جهان استقرار خواهد یافت. اکنون جایگاه و نقش تمدن اسلامی و تمدن غربی را در پسا کرونا با ذکر مشخصه‌های آن دو تمدن در معرض قضاوت افکار عمومی می‌گذاریم.

شیوع بیماری عالم‌گیر کرونا حادترین و مهترین بحران امروزی جهان است. افکار عمومی مردم دنیا خصوصاً غربی‌ها با زیر سؤال بردن تمدن حاکم بر جهان غرب در اثر نا کار آمدی در برابر بحران کرونا حکمرانی جهانی و مدیریت این تمدن را متزلزل ساخته است. نسل امروز دنیا به خوبی درک نموده‌اند که جهانیان نه تنها در حوزه سلامت برای حفاظت از جسم خود افزون بر آن در عرصه‌های اقتصاد و نظام سیاسی واز همه مهمتر در پهنه تمدنی خود باید تصمیم‌بگیرند و الگوهای زندگی خود را بایداز تمدن صرفاً مادی خصوصاً با مدل غربی آن

به یک تمدن دیگر تغییر دهند چون پیا مد های کرونا دنیا را آنچنان دیگر گون نموده است که جهان پسا کرونا به یک فاکتور جدید از الگوی زندگی نیاز دارد زیرا الگوی زندگی بر گرفته از تمدن مادی امروزه بشر را در شرایط کرونایی گیج و سرگردان گرفتار قرنطینه ها نموده است و به وضوح می بیند که اجساد قربا نیان در بریتانیا با کامیون های ارتش بسوی گورستان حمل می شوند و بدترین دوزدی تاریخ بشر، که دوزدی دارو و سائل بهداشتی بیماران کرونایی بود در غرب اتفاق افتاده است زمینه^۱ استقبال از تمدن متفاوت رافراهم نموده است. امروز جها نیان الگوی نوین می خواهند که مایه امید شان باشد و می خواهند در مسیر نوین گام بردارند چون بعید است بعد

از تجربه های تلخ دوباره به همان الگوی قبلی بر گردند این مقاله مخاطرات و بحران های ناشی از تمدن مادی غربی و شا خصه ها و اهداف تمدن اسلامی را مورد ارزش یابی قرار می دهد و آنگاه قضاوت را به شما می سپارد.

بخش نخست

تمدن غربی

تمدن غربی: عبارت است از نظم اجتماعی در کشورهای غربی بر مبنای تفکر مادی که این تفکر بر چهار اساس استوار است؛ رنسانس، جدای دین از سیاست، انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب صنعتی انگلستان. کشورهای غربی در جغرافیای سیاسی به مجموعه‌ای از کشورها و ملت‌های واقع در اروپای مرکزی، غربی و شمال آمریکا گفته می‌شود.

تمدن غربی بر چهار پایه اصلی استوار است:

- رنسانس که در ایتالیا آغاز گردید؛

- اصلاح دینی که از آلمان شروع؛

- انقلاب کبیر فرانسه؛

- انقلاب صنعتی که از انگلستان برخاست.

رنسانس: از سدهٔ چهاردهم آغاز شد و در طول سه قرن در سراسر اروپا انتشار یافت؛ رنسانس در بدو پیدایش با شعار خردگرایی در مقابل تفکرات مذهبی کلیسا به وجود آمد و خواستار رهایی از سیطره فکری، سیاسی و مذهبی از آن بود.

اصلاح دینی: در قرون وسطی کلیسا در زندگی بیشتر مردم اروپا نقش محوری داشت؛ اما رفته رفته با پیشرفت علوم و فناوری، بیشتر مضامین و شعائر دینی کلیساها، که آمیخته با خرافات بود، باطل شدند و از سویی دیگر وجود فساد در آنها سبب انزجار مردم گردید؛ در این هنگام مارتین لوتر جنبشی را آغاز کرد که به اصلاح دینی معروف شد؛ او شعائر و نفوذ مذهبی کلیساها را به شدت کاهش داد و دست کلیساها را از آموزش و پرورش کوتاه نمود؛ بدین ترتیب وی جدای دین از سیاست را بنیان گذاشت.

انقلاب کبیر فرانسه: پیدایی این انقلاب دو دلیل عمده داشت: نخست آنکه جنگ‌های سده هجدهم برای دولت

فرانسه هزینه‌های بسیار در پی داشت؛ چنان‌که دولت مجبور شد مالیات را افزایش بدهد که به دنبال آن مردم از افزایش مالیات ناراضی شدند؛ دوم آنکه طبقه‌بندی اجتماعی حاکم بر فرانسه موجب شد تا بورژواها به مخالفت علیه طبقه نجبا (طبقه ممتاز) رو آورند؛ کارگران و روستاییان به یاری آنان برخاستند و علیه نجبا دست به انقلاب زدند؛ بدین ترتیب آنان در سال 1792م قدرت را به دست گرفتند؛ این انقلاب از لحاظ سیاسی جنبشی لیبرالیستی بود و به لحاظ اجتماعی به طبقه سرمایه‌داران اختصاص داشت.

انقلاب صنعتی: اروپا پیش از انقلاب صنعتی تقریباً یک جامعه کشاورزی بود که بیش از سه‌چهارم مردم آن در کشتزارها کار و زندگی می‌کردند؛ از میانه‌های سده هجدهم در انگلستان صنعت ماشین‌سازی در جهت رونق کشاورزی و تولید بیشتر آغاز شد؛ به طوری که کارخانجات آن قدر گسترش یافتند که منجر به از بین رفتن جنگل‌ها و فضاهاى سبز شد.

بنیان تمدن غربی

مهم‌ترین اساس این تمدن بر این پایه است که انسان یک موجودی است که فقط نیازهای مادی دارد و پس از مرگ فانی می‌شود پس باید او نهایت لذت را از این زندگی ببرد و به هر وسیله به قدرت و ثروت برسد مانعی برای او وجود ندارد در این تمدن خدا، معنویت و کرامت انسانی جای ندارد به انسان نگاه ابزاری می‌گردد.

پیامدهای تمدن غربی

بشر هیچ‌گاه در طول تاریخ مانند امروز با انواع تهدیدها، بحران‌ها و مخاطرات روبه‌رو نبوده است؛ در سایه تاریک این تمدن، ارزش‌های دیرینه بشر دچار مخاطره گردید و در اثر برهم خوردن توازن توسعه از لحاظ اقتصادی و امکانات نابرابری‌های گوناگون به وجود آمده؛ هرچند جهانیان هر روز از نظر علمی و فنی آوری قدرتمندتر می‌شوند، ولی اوضاع جهان در اثر نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها به سوی بی‌قراری و بی‌ثباتی پیش می‌رود؛ بدین ترتیب واقعیت این است که انواع بحران‌ها به عنوان پیامد این فرایند، گریبان‌گیر دنیای امروز شده است.

در اینجا به برخی از مهم‌ترین بحران‌های یادشده اشاره می‌کنیم:

الف) بحران فروپاشی خانواده

تمدن مدرن غرب، کانون گرم خانواده را با انواع مخاطرات و فروپاشی روبه‌رو ساخته است؛ شاید بتوان گفت

بی‌خانمانی یکی از خطرناک‌ترین آسیب‌های این تمدن است؛ به قاطعیت می‌توان گفت سه عامل عمده که در فروپاشی خانواده نقش اساسی دارند سر از همین تمدن برآورده‌اند:

عامل نخست: انحرافات جنسی

امروزه غرب در سایه دستاوردهای تکنولوژی و بی‌بندباری، جلوه‌های گوناگون و انواع لذت‌ها و سرگرمی‌های مادی را تجربه می‌کند، تا آنجا که افراد شأن و منزلت انسانی خود را فراموش نموده و مبتلا به انواع فساد جنسی شده‌اند: انواع زنا، حتی زنا با نزدیکان و محارم، سوءاستفاده جنسی از کودکان، ازدواج با همجنس؛ چنان‌که با این اعمال نفرت‌انگیز و شرم‌آور، پیامدهای ناگوار اجتماعی، همچون فروپاشی خانواده، حرام‌زادگی و بی‌هویتی به جامعه بشری تحمیل شده است.

یک پرونده شرم‌آور

در پرونده سوءاستفاده از کودکان در کشور بریتانیا به نام «کلیولند» که در سال 1980 بررسی و تشکیل شد ماجرای کودکانی که از سوی اعضای خانواده خود مورد تجاوز جنسی قرار گرفته بودند افشا گردید.¹ این تجاوزها و سوءاستفاده‌های جنسی، تعهدات قانونی، شرعی و روابط عاطفی بین زن و شوهر را از بین می‌برد، زندگی خانوادگی را مشحون از تلخی و خشونت می‌کند و منجر به فروپاشی خانواده می‌گردد؛ آری اگر کوه آتشفشان عظیم و هولناک غرایز جنسی با اخلاق و شرف انسانی مهار نشود، همه‌چیز و همه‌کس را می‌سوزاند.

عامل دوم: هم‌بالینی

پدیده دیگر در جامعه صنعتی غرب بین مردان و زنان جوان رواج هم‌بالینی بدون ازدواج قانونی و شرعی به صورت روزافزون است. چنان‌که در چهل سال گذشته تعداد کسانی که در بریتانیا زندگی هم‌بالینی داشته‌اند چهارصد برابر افزایش یافته است.²

این رفتارهای حیوانی که در حقیقت یک رسوایی انسانی است، مانع بزرگی بر سر راه روابط پایدار و صمیمانه است که در اثر ازدواج بلندمدت قانونی (شرعی) انجام می‌شود.

1. آنتونی گیدنز، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، چ 3، 1388، ص 285.

2. همان، ص 278.

عامل سوم: هم جنس خواهی

این انحراف جنسی حتی در بین حیوانات هم وجود ندارد! هیچ حیوانی تمایل جنسی به همجنس خود ندارد بلی اگر بشر از معنویت و اخلاق و ارزش‌های انسانی خود فاصله گرفت و در اقیانوسی از لجن بدبختی‌ها و انحرافات گرفتار و غرق گردید آن‌گاه شاید چنین پدیده‌ای اتفاق افتد.

زیان‌های این عمل زشت غیرانسانی عبارت‌اند از:

اولاً: در برخی از بررسی‌های پزشکی این عمل یک نوع اختلال روانی تلقی شده است و از نظر زیست‌شناختی سلامت جامعه را تهدید می‌کند؛ چنان‌که آنتونی گیدنز جامعه‌شناس می‌گوید: «شیوع ایدز برای جمعیت فراوان همجنس‌خواه بسیار مهلک بوده و شمار وسیعی از افراد این جمعیت با آن مبتلا و کشته شدند».³ ثانیاً: این عمل ننگین برخلاف میل و همراه با خطرات انسانی است؛ زیرا هر کاری که مخالف کشش فطرت باشد، طبیعی نبوده و زیان‌آور است؛ ثالثاً: این عمل موجب قطع نسل می‌گردد.

(ب) بحران اقتصادی

در طی یک سده اخیر صور نوین از چالش‌های پیچیده اقتصادی که در اثر امپریالیسم اقتصادی و شیوه‌های نامتوازن و نامتعادل، تولید، توزیع، مصرف و تجارت به وجود آمده‌اند، جهان را به قطب‌های فقیر و غنی تقسیم کرده است.

بخش عظیم ثروت جهان در کشورهای صنعتی (کشورهای توسعه یافته) متمرکز گردیده است؛ در حالی که جهان سوم و بسیاری از ملل دنیا از فقر خانمان‌سوز در رنج و عذاب‌اند، گزارش منتشر شده از سازمان ملل در سال 1999 میلادی حاکی است: «یک پنجم از جمعیت جهان که در کشورهای ثروتمند زندگی می‌کنند، دارای 74 برابر متوسط درآمد یک پنجم از جمعیت جهان که در کشورهای ثروتمند زندگی می‌کنند هستند»؛ فاصله میان ثروتمندترین و فقیرترین کشورهای جهان از سده هجدهم در طول سده گذشته تقریباً سه برابر شده است؛ چنان‌که در اواخر دهه نود (1990) 20 درصد از جمعیت جهان 86 درصد از کل مصرف جهان را به خود اختصاص داده است.

هشتاد و دو درصد از بازارهای صادرات و 74 درصد از خطوط تلفن نیز به همین 20 درصد از جمعیت جهان اختصاص داشت... . دارایی‌های سه تن از بزرگ‌ترین میلیاردرهای دنیا از کل تولید خالص ملی همه کشورهای کم‌درآمد و همه 600 میلیون نفری که در آنها زندگی می‌کردند بیشتر بود.⁴

در بریتانیا یک درصد فوقانی جمعیت، صاحب 19 درصد همه ثروت‌های شخصی هستند در حالی که فقیرترین افراد جامعه فقط صاحب یک درصد ثروت‌ند.⁵

اقتصاد سرمایه‌داری از طرفی فضای رقابت‌های بی‌حدومرز و تضادهای عمیق اجتماعی را که نتیجه آن به‌خطر افتادن تعادل و ثبات جهانی خواهد بود، به‌وجود آورده است و از سوی دیگر به علت سیری ناپذیری و حرص به ازدیاد اموال و املاک صاحبان ثروت، به‌گونه‌ای بی‌رویه و پرشتاب ذخایر مشترک بشریت را ظالمانه به غارت می‌برند.

نظام اقتصادی غرب مسئول نابرابری‌ها

نظام سرمایه‌داری (امپریالیسم اقتصادی) مسئول این همه بی‌عدالتی و قطب‌های متضاد فقر و ثروت است جامعه-شناس معروف آنتونی گیدنز در کتاب «جامعه‌شناسی» خود طبقات اجتماعی در جامعه غربی امروز را به سه طبقه (طبقه بالا، طبقه متوسط و زیرطبقه) تقسیم‌بندی کرده است.

«طبقه بالا: افراد یا جوامع هستند که قدرت و ثروت را در اختیار دارند؛ این‌ها کسانی هستند که منظومه‌ای از منافع را تحت کنترل خود گرفته‌اند؛ فعالیت‌های بزرگ تجاری را در دست دارند و صاحبان شرکت‌های عظیم و سهام‌داران بزرگ‌اند که ثروت‌های کلانی به چنگ می‌آورند.

طبقه متوسط: شامل طیف‌های گسترده‌ای از کسانی است که در مشاغل بسیار متفاوتی کار می‌کنند؛ مانند کارکنان صنایع خدماتی، معلمان، شاغلان حرفه‌ای، پزشکان و... .

زیرطبقه: زیرطبقه اغلب در پایین‌ترین لایه ساختار طبقاتی قرار دارند و این‌ها گروهی‌اند که با انواع و اقسام

4. همان، ص 102.

5. همان، ص 329.

محرومیت‌ها دست‌به‌گریبان‌اند».⁶

نابرابری‌های مصرف بین فقیر و غنی بسیار فاحش است؛ چنان‌که 20 درصد جمعیت غنی جهان، 86 درصد هزینه‌های مصرف خصوصی را به خود اختصاص می‌دهند.⁷

ج) بحران سیاسی

یکی دیگر از پیامدهای زیانبار تمدن غربی، نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های موجود در نظام سیاسی و روابط بین‌الملل است؛ امروزه چند کشور ابرقدرت منافع، استقلال و موجودیت دیگر کشورها را تهدید می‌کنند؛ عامل اصلی این بی‌عدالتی‌ها امپریالیسم سیاسی است.

دو جنگ خانمان‌برانداز بین‌المللی از قلمرو همین تمدن شروع شد؛ چنان‌که ستیزهای قومی و جنگی 1992 در یوگسلاوی سابق جهت تصفیه قومی در مهد تمدن غربی که با برنامه‌های ازبیش‌تعیین‌شده برای نسل‌کشی طراحی شده بود به وقوع پیوست. و اکنون عامل اصلی و پشت‌صحنه جنگ‌ها و کشمکش‌های خشونت‌باری که توسط گروه‌های افراطی در کشورهای خاورمیانه جریان دارد امپریالیسم سیاسی است؛ در تبلیغات انتخابات اول ریاست جمهوری آمریکا، ترامپ، یکی از نامزدها، بارها به صراحت گفت که دولت فعلی آمریکا مسئول به‌وجود آوردن داعش است و هم حامی آن؛ همچنان‌که در اعمال سیاست‌های دوگانه، تبعیض‌آمیز و نژادپرستانه در سازمان ملل، که در واقع سازمانی غربی است برکسی پوشیده نیست و تحریم‌های ناروا علیه کشورها که گاه حیات بیماران را تهدید می‌کند، باز هم می‌توان در حوزه سیاست تمدن غربی را مشاهده کرد.

نژادپرستی نیز یکی از میراث‌های جهانی تمدن جهان غرب است؛ گرچه نژادپرستی قدیمی که منبع زیست‌شناسانه دارد و مبتنی بر تفاوت‌های جسمانی است، به‌ندرت در جوامع امروز می‌توان یافت، اما متأسفانه نژادپرستی جدید براساس تفکری غلط جایگزین آن گردیده است؛ نژادپرستی نوین دارای ابعاد سیاسی آشکاری است.

آنتونی گیدنز در این باره می‌گوید: «سومین دلیل نژادپرستی مدرن، روابط استثمارگرانه‌ای است که اروپایی‌ها با مردمان دیگر برقرار ساخته‌اند. نژادپرستی به توجیه حکومت‌های استعماری بر ملل غیرسفیدپوست کمک می‌کرد

6. همان، ص 420 - 430.

7. همان، ص 886.

و منکر مشارکت سیاسی برای آنها می‌شد».⁸

د) بحران زیست‌محیطی

الگوی مدرنیسم جوامع غربی بحران‌های جدیدی را به بار آورده است که با روزگاران پیشین تفاوت‌های زیادی دارد؛ بحران زیست‌محیطی که در اثر توسعه تکنولوژی و مداخله ویرانگر خود انسان‌ها به وجود آمده است یکی از نمونه‌های آن است. آلودگی ناشی از پروژه‌های کشاورزی، پسماندها و زباله‌های شهری و تأسیسات نیروگاه‌های صنعتی و هسته‌ای، تخریب گسترده محیط‌زیست را به همراه دارد، در نتیجه رها شدن گازهای زیانبار دی‌اکسیدکربن در اتمسفر زمین حیات را در کره زمین با مخاطره جدی روبه‌رو است.

غرب پس از توسعه صنعتی به طور وحشتناکی بر محیط‌زیست طبیعی یورش آورد؛ به گونه‌ای که هیچ چیز طبیعی از تأثیرات فعالیت‌های آنان مصون نمانده است، جاهایی که پیش‌ازاین از قلمرو حیات وحش بوده امروزه چنان تاراج شده‌اند که گویی در آن اصلاً حیات وجود نداشته است.

اگر مصرف کشورهای صنعتی از منابع انرژی محدود نشود و همچنان اشتهای قارونی برای ازدیاد ثروت در جهان غرب باقی باشد و غرب از رشد بی‌رویه مستمر اقتصادی خود دست نکشد، بی‌گمان بعضی از منابع اساسی و حیاتی کره زمین به پایان خواهد رسید.

در دنیای غرب نرخ رشد صنعتی که منجر به تخریب محیط زیست می‌شوند هیچ تناسبی با ماهیت منابع زمین ندارد ظرفیت این سیاره حیات‌آفرین با رشد صنعت مخرب هیچ انطباقی ندارد.

در اینجا دو نمونه از آلودگی محیط‌زیست را بیان می‌کنیم:

آلودگی هوا: در اثر آلودگی هوا هر سال 2/8 میلیون نفر در جهان جان خود را از دست می‌دهند و موجب بی‌شماری از مشکلات تندرستی آدمیان مانند مشکلات تنفسی، امراض ریوی و سرطان‌ها می‌شود. اثبات شده که آلودگی هوا نه تنها سلامتی انسان‌ها را به خطر می‌اندازد که در اکوسیستم زمین نیز تأثیر مخرب خود را به جا

می‌گذارد؛ چنان‌که باران‌های اسیدی یکی از زیان‌های آلودگی هواست.

آلودگی آب: آب، منبع حیات در زمین است و بشر در طول تاریخ، نیازهای اصلی زندگی خود را به وسیله آب مرتفع نموده است. متأسفانه این منبع حیاتی نیز از خراب‌کاری انسان‌ها در امان نمانده است؛ زباله‌هایی که در دریا و رودخانه‌ها ریخته می‌شوند، موادشیمیایی، کودشیمیایی و سموم ضدآفات، منابع آب را آلوده می‌کند و باکتری‌ها و میکروب‌های ناشی از فاضلاب موجب بیماری‌های گوناگون می‌گردد.

مسئول بحران زیست‌محیطی چه کسانی هستند؟ ایالات متحده پیش از هر کشوری دی‌اکسیدکربن انتشار می‌دهد؛ در اروپا، بریتانیا و آلمان بزرگ‌ترین تولیدکنندگان دی‌اکسیدکربن هستند و حدود نیمی از کل دی‌اکسیدکربن را وارد جو زمین می‌کنند»⁹.

خطرات امپراتوری رسانه‌ای غرب

سراسر جهان در عصر حاضر در نظم اطلاعاتی واحدی به‌سر می‌برند؛ شبکه‌های شبانه‌روزی جهانی اخبار، اطلاعات و تمام ماجراها و رویدادهای دنیا را گزارش کرده و در معرض دید جهانیان قرار می‌دهند؛ لکن شیوه‌های سازماندهی، ارائه و انتشار گزارش‌ها، اخبار و... با تبعیض، تخدیر و ترویج انواع فسادهای اخلاقی و جنسی همراه است.

بسیار غول رسانه‌ای که در رأس آن آمریکا و بریتانیا قرار دارند کشورهای کمتر توسعه‌یافته را مورد آماج تهاجم تبلیغاتی استعماری خود قرار داده‌اند؛ به‌طوری‌که منافع ملی و تمدنی آنان را در مخاطره جدی قرار داده است.

رسانه‌های گروهی غرب ماهیت فرهنگی ندارند

رسانه‌های غرب به علت رویکرد تجاری، وسیله‌ای ماهیت فرهنگی خود را از دست داده و در خدمت ثروت و قدرت قرار گرفته‌اند. آنتونی گیدنز در این باره می‌گوید: «امروز رسانه‌های جهانی رفته‌رفته به تصرف کسانی در می‌آیند که مشتاق بیشترین استفاده اقتصادی از آن هستند»¹⁰.

رسانه‌های غربی منبع فسادند

9. همان، ص 902.

10. همان، ص 696.

به اعتراف و اظهار رییس‌جمهور منتخب آمریکا آقای ترامپ که گفت: اکثر رسانه‌های آمریکا و اروپا فاسدند. رسانه‌ها بدترین مراکز فساد هستند؛ زیرا دنیای ارتباطات و اطلاعات، اولاً بی‌حدومرز هستند، ثانیاً فساد رسانه‌ها موجب انتشار، تبلیغ و ترویج فساد در جامعه می‌شود.

رسانه‌های غربی مرکز اختلاف‌افکنی

در طی چند دهه اخیر رسانه‌های غربی فرهنگ‌های جهان را در برابر هم قرار می‌دهند و با ایجاد تضاد بین فرهنگ‌ها به تنش‌های بین‌المللی و منطقه‌ای دامن می‌زنند؛ چنان‌که نقش بی‌بی‌سی در ایجاد اختلاف و تفرقه‌افکنی و برجسته کردن عوامل تنش‌زا بر هیچ‌کسی پوشیده نیست؛ این شبکه تفرقه‌افکن در افروختن آتش خصومت‌ها و دامن زدن به نفاق‌ها همواره نقش عمده‌ای داشته و دارد، امپراتوری رسانه‌های غربی هم تنش‌آفرینی می‌کنند و هم آتش تنش‌ها و تعارضات را شعله‌ورتر می‌سازند.

دروغ و کتمان حقایق

آگاهی‌های دروغین و کذب، تحلیل‌های گمراه‌کننده و کتمان حقایق بی‌بی‌سی و بسیاری از شبکه‌های رسانه‌های غربی ماهیت پرتناقض و منافقانه آن‌ها را افشا می‌کند. بزرگ‌ترین راهپیمایی میلیونی مسالمت‌آمیز بی‌نظیر در تاریخ بشر، که هر سال در اربعین حسینی در کشور عراق برگزار می‌شود، نمایشی در جهت رساندن پیام صلح و دوستی برای دنیا است که امروزه بشریت سخت نیازمند آن است اما باکمال حیرت بی‌بی‌سی در سکوتی معنی‌دار و مرگبار به گونه‌ای غیرمسئولانه آن را کتمان کرده و پوشش نداده است.

منبع اصلی تهدیدها و بحران‌ها کجاست؟

تفکر مادی‌گری و اصالت دادن بیش‌ازحد به علم و معرفت تجربی، و نفی کلیه ارزش‌های انسانی و اخلاقی که ماهیت تمدن غربی را تشکیل می‌دهند، منبع اصلی بحران‌ها است؛ کسا نیکه که در دامن تمدن غرب پرورش یافته اند مسئولیت‌های انسانی و اخلاقی خود را رها نموده، ابزار دست قدرت و ثروت شده‌اند؛ طبیعی است چنین انسان‌ها و تمدنی بحران‌آفرینی خواهند نمود.

جهان، آماده پذیرش تمدن عظیم اسلامی

تمدن غربی برای اداره و مدیریت دنیای آکنده از مخاطرات، بحران‌ها خصوصاً بعد از بحران کرونا و نابرابری‌ها -

که از پیامدها و نتایج تمدن مادی‌اند - توانایی لازم را ندارد.

بسیاری از آن بحران‌ها که جوامع انسانی را دستخوش تأثیرهای زیانبار خود نموده است، فراتر از کنترل مکانیسم تمدن‌های مادی‌اند چنان‌که سازمان‌ها، دستگاه‌ها و تشکیلات بین‌المللی مانند سازمان ملل، سازمان امنیت، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و ده‌ها اتحادیه منطقه‌ای و بین‌المللی نتوانسته‌اند با بحران‌ها مقابله کنند؛ همچنان‌که پس از گذشت بیش از یک دهه از جنگ سرد، دنیا سرشار از خشونت و بی‌عدالتی و دگرگونی‌های آشوبناک شده است .

در وضعیت کنونی جهان زمینه‌پذیرش یک تمدن جهانی که هدف آن برقراری عدالت و خدمت به بشریت باشد بیش از پیش فراهم آمده است.

بخش دوم:

تمدن اسلامی

چیستی تمدن اسلامی

هرچند ارائه تعریفی جامع از تمدن اسلامی که منبع الهی و تمام شئون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و همه ابعاد زندگی جمعی و فردی انسان اعم از گفتار، رفتار، اخلاق، هنر، حقوق، اعتقادات و... را پوشش دهد با این گستره بسیار دشوار است، اما درعین حال تعریفی که در اینجا ارائه می‌شود جامع‌ترین تعریف خواهد بود: «تمدن اسلامی عبارت است از نظم اجتماعی انسانی بر محوریت اسلام که تمامی اندوخته‌ها و ساخته‌های معنوی و مادی آن، انسان را به کمال می‌رساند و حاکمیت جهانی عدالت و زمینه زندگی سالم در دنیایی امن و در محیط پاک را برای کل بشر به ارمغان می‌آورد».

ویژگی‌های تمدن اسلامی

الف) تمدن اسلامی نماد خلیفه‌اللهی انسان

تمدن اسلامی هیچ‌گاه نه خود به بن‌بست می‌رسد و نه جامعه را به بحران می‌کشاند؛ بلکه بحران‌زدایی لازمه وجودی آن است؛ زیرا آنچه که انسان را به بحران‌ها و طوفان‌های هولناک بی‌هویتی و هزاران آسیب دیگر مبتلا می‌سازد، نگاه مادی و ایزاری به انسان است. دنیایی که در آن خدا، معنویت و اخلاق حضور نداشته باشد، دنیایی بحران‌زده است و انسان‌هایی که تجربیات و خرد خود را جایگزین وحی کرده باشند، بحران‌زده و شکست خورده‌اند. پیتز اسکات در این باره می‌گوید: «نظام هوشمندی که بمب هسته‌ای را ساخته است، در ساختن مقوله‌های اخلاقی که بتواند چنین دانشی

را متمدن کرده و در خدمت انسان بگذرد شکست خورده است»¹¹.

بشر انتظار داشت که علم طبیعت را مهار کرده و با بهبود زندگی انسان را از رنج‌ها و نیازهای اساسی اش فارغ کند...؛ حال آنکه علم او را گرفتار موشک‌های هسته‌ای، سلاح‌های بیولوژیک، مشکلات زیست‌محیطی و بحران‌های اجتماعی، فکری و اخلاقی کرد و احساس خلأ معنا، ناامنی، اضطراب، پوچی و سردرگمی او را بیشتر نمود.¹² به‌رغم آنچه گفته شد نگاه اسلام به انسان نگاهی حکیمانه و کریمانه است؛ چنان‌که قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

(وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ)¹³؛ ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم. و خداوند در آیه دیگر مدال پرافتخار خلافت را برگردن آدم نهاده و فرموده است: (إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً)¹⁴ و نیز فرمود: (وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا) انسان در تمدن اسلامی مسئول بوده و در نظام هستی چهار نوع ارتباط دارد:

1. ارتباط با خویشان؛

2. ارتباط با خدا؛

3. ارتباط با طبیعت؛

4. ارتباط با هم‌نوع خود.

انسان اگر جایگاه رفیع و مقام والای خود را شناخت، وظیفه خود را در رابطه با خدا فهمید و اگر نسبت به مسئولیت خویش به‌عنوان انسانی ایثارگر و فداکار در برابر دیگران آگاهی یافت، آنگاه زندگی خویش را به‌عنوان انسانی مسئول تنظیم خواهد کرد؛ بی‌گمان چنین انسان‌هایی امین هستند؛ همچنان‌که قرآن کریم در این باره می‌فرماید: (إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ)¹⁵؛ ما امت الهی را بر آسمان‌ها و کوه‌ها عرضه کردیم؛ پس آنها از برداشتن آن سرباز زدند و از حمل آن هراسناک

11. پیتر اسکات، فرهنگ و جامعه، ترجمه مهدی نکویی، به نقل دین و فرایند جهانی شدن، ج 4، 1387، ص 83.

12. اگنا سبورامونه، آیا جهان به‌سوی هرج‌ومرج می‌رود، ترجمه پریچهر شاهشوند، ص 143 - 145.

13. اسراء/70.

14. بقره/30.

15. احزاب/72.

شدند؛ ولی انسان آن را برداشت.

بنابراین انسان مؤمن مسئول و امین است و از آنجا که خلیفه^{۱۶} خداوند در روی زمین است بحران آفرینی و جنایت نمی‌کند.

(ب) تمدن اسلامی، تمدنی جهانی

باتوجه به اینکه منشأ و منبع تمدن اسلامی، دین اسلام است، آموزه‌های معرفتی اعتقادی احکام آن برای همه^{۱۷} انسان‌هاست.

اسلام یک آیین بزرگ انسانی است که برای هدایت و نجات تمام بشریت آمده است؛ همه مذاهب و همه دانشمندان اسلامی به این مؤلفه اعتقاد داشته و آن را از ضروریات دین اسلام می‌دانند:

جهانی بودن تمدن اسلامی را می‌توان از آیات قرآن دریافت؛ برخی از آیات قرآن کریم به‌صراحت بر این مطلب تاکید دارد:

1-1. رسالت پیامبر جهانی است: (قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً)¹⁶؛ پیامبر بگو ای مردم! من فرستاده خدا به‌سوی همه شما هستم.

1-2. پیامبر، رحمت بر عالمیان است: (وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ)¹⁷؛

1-3. قرآن برای همه انسان‌ها فرستاده شده است: (وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ)¹⁸؛

1-4. نگاه جامع و کامل به همه جنبه‌های هستی و نیازهای بشری: (مَا فَزَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ) یا قرآن (تَبَيَّنَّا لِكُلِّ شَيْءٍ)؛

1-5. خداوند به پیامبر اسلام 9 خطاب می‌کند که جهانی بودن دعوت و رسالت خود را به مردم ابلاغ کند: (قُلْ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً)¹⁹.

(ج) جهانی شدن تمدن اسلامی، یک حقیقت قطعی

16. اعراف/158.

17. انبیا/107.

18. قلم/68.

19. اعراف/185.

تحقق و گسترش تمدن اسلامی به معنای جامع کلمه در سراسر جهان یک حقیقت قطعی است که تحقق خواهد یافت و این وعده قطعی و تخلف‌ناپذیر خداوند است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: (وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنکم فی الارض).

شیخ طبرسی روایتی را از پیامبر اسلام در تفسیر این آیه گزارش می‌کند که آن حضرت فرمودند: «هیچ خانه‌ای آباد و هیچ چادری در روی زمین نخواهد بود، مگر اینکه خداوند به وسیله مهدی (عج) اسلام را در آن وارد می‌نماید».²⁰

ویژگی‌های جهانی معارف اسلام

اسلام دارای مختصات، ویژگی‌ها و نظام و معارفی است که بر پایه دیانت، عقلانیت بنا شده و در عین حال دینی کامل و جامع است.

اسلام بر کرامت انسانی، عدالت و تأمین حقوق مردم تأکید می‌کند؛ الگویی تمدنی آن که مبتنی بر ارزش‌ها و معیارهای دینی و انسانی بوده با الگوی تمدن غربی (تمدن مادی) که بر پایه امپریالیسم است کاملاً متضاد و متناقض است؛ بنابراین در تمدن اسلامی هرگونه استعمار، استثمار، بی‌عدالتی و هر تبعیض و نابرابری محکوم و مردود است؛ در حالی که مدل‌های تمدن غربی با تحمیل، اجبار، جنگ، تبعیض، نژادپرستی، حق‌کشی، آدم‌کشی و تجاوز به حقوق دیگران... همراه می‌باشد.

(د) تمدن اسلامی محصول سه گانه خدا، پیامبر و مردم

با توجه به آیات قرآن، در سامان‌یابی تمدن اسلامی، اراده تشریحی خداوند، سنت رسول مکرم اسلام و خود انسان دخیل هستند.

از آیات قرآن می‌توان فهمید که هدایت الهی از طریق ارسال رسل و انزال کتب و به وسیله پیامبران و کتابی که با خودشان آورده‌اند در شکل‌گیری و اقامه عدالت - که هدف تمدن اسلامی است - نقش داشته‌اند:

(لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ).²¹

20. طبرسی، مجمع‌البیان، ج 4، ص 152.

21. حدید/25.

در آیه دیگر خداوند می‌فرماید: (إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا) این آیه اشاره به نقش انسان‌ها در ایجاد تمدن‌ها اشاره دارد.

«در بین ادیان موجود، دین اسلام به لحاظ برخورداری از اصول و مبانی متقن و نیز تاریخ مشخص و روشن خود در آفرینش تمدن فاخر نقشی فوق‌العاده ایفا خواهد کرد».²²

خانواده در تمدن اسلامی

در بخش نخست مقاله، مهم‌ترین مخاطرات و بحران‌های تمدن مادی غرب مورد بررسی قرار گرفت که در آن میان به مهم‌ترین بحران آن که فروپاشی خانواده و انحراف جنسی بود اشاره کردیم، ناگزیر باید به این حقیقت تلخ اذعان نمود که انحراف و فساد جنسی یکی از مصیبت‌بارترین پیامدهای تمدن مادی برای جوامع دنیاست؛ همچنان‌که برای بشر هیچ‌چیز گران‌تر و شوم‌تر از فروپاشی خانواده نیست.

اهمیت خانواده در تمدن اسلامی

نهاد خانواده که مهم‌ترین بستر برای رشد و نمو شخصیت انسان است از نگاه اسلام کارآمدترین کانون آسایش و آرامش به‌شمار می‌رود؛ در خانواده روابط و مناسبات اعضا برپایه محبت و وفاداری استوار بوده و خانواده پاک‌ترین مظهر عشق‌ورزی است.

افزون‌برآن اسلام برای خانواده و ازدواج، نقش بنیادی در تربیت و بقای نسل قائل است؛ این موضوع سبب شده است تا اسلام قوانین و وظایفی را برای اعضای خانواده در نظر گیرد.

نگرش قرآن در تشکیل خانواده

بنیان تشکیل خانواده با پیوند ازدواج زن و مرد آغاز می‌شود؛ از آیات قرآن کریم می‌توان دریافت که ازدواج باعث آرامش، امنیت روانی، حفظ کرامت و بقای نسل انسان گردیده و افزون‌برآن، او را از انحراف‌های جنسی مصونیت می‌بخشد. ازدواج تا آنجا اهمیت دارد که در قرآن کریم، زوج بودن به همه موجودات نسبت داده شده است: (وَمِنْ

كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ؛²³ ما از هر چیز دو زوج آفریدیم.

مولانا جلال‌الدین (مولوی) می‌گوید:

بهر آن میل است از ماده و نر تا بود تکمیل کار همدگر

میل اندر مرد و زن حق زان نهاد تا بقا یابد جهان زین اتحاد

در ادامه مهم‌ترین دستاوردهای ازدواج را از منظر قرآن برمی‌شماریم:

1. ازدواج موجب آرامش می‌گردد: در قرآن خطاب به آدمیان این چنین آمده است:

(هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...)²⁴

اوست خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید و از (نوع) او نیز جفتش را مقرر داشت تا به او انس و آرام گیرد....

2. ازدواج سبب حفظ کرامت: خداوند در سوره بقره می‌فرماید:

(... هُنَّ لِيَاسٍ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِيَاسٌ لَهُنَّ...)²⁵... زن‌ها برای شما (همچون) لباس‌اند و شما

برای آنها (همچون) لباس... .

لباس از یک سو انسان را از سرما و گرما حفظ می‌کند و از سوی دیگر عیب‌های او را می‌پوشاند؛ همسران یکدیگر را از درافتادن در انحراف‌ها بازداشته و عیوب یکدیگر را می‌پوشانند، وسیله راحت و آرامش هم را فراهم می‌کنند و هر یک زینت دیگری به‌شمار می‌روند.²⁶

تعبیر پیش‌گفته درباره زن و شوهر کنایه از آن است که در اثر ازدواج، فرد از انحراف‌ها و کشیده شدن به سوی

23. ذاریات/49.

24. اعراف/189.

25. بقره/187.

26. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، چ 55، ج 1، 1387، ص 732.

فساد جنسی مصونیت یافته و درعین حال حفظ کرامت و وسیله راحتی و آسایش او فراهم می‌شود.

از نگاه علامه طباطبائی مفهوم ظاهری واژه لباس همان معنای معروف آن است؛ یعنی جامه‌ای که بدن آدمی را می‌پوشاند و این استعاره‌ای است برای اینکه زن و شوهر یکدیگر را از گرایش به فسق و فجور و اشاعه آن باز دارند.²⁷

3. ازدواج موجب برکت در رزق می‌شود؛ بسیاری از مردان و زنان برای فرار از ازدواج، فقر و برخوردار نبودن از تمکن مالی را بهانه می‌کنند؛ ولی قرآن به صراحت در پاسخ آنان می‌گوید:

﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾²⁸

به مردان و زنان بی‌همسر، همسر دهید و همچنین غلامان و کنیزان و صالحان را، که اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند آنان را از فضل خود بی‌نیاز می‌کند؛ خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است.

در این فراز از آیه قرآن، از آغاز این سوره تا آیه پیش گفته، راه‌های حساب‌شده گوناگونی برای پیشگیری از آلودگی جنسی ارائه شده است.²⁹

ازدواج تا آنجا اهمیت دارد که در حدیثی از حضرت امیرالمؤمنین علی 7 آمده است:

أَفْضَلُ الشَّفَاعَاتِ أَنْ تَشْفَعَ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي نِكَاحٍ حَتَّى يَجْمَعَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا؛³⁰

بهترین شفاعت و میانجیگری آن است که میان دو نفر برای امر ازدواج میانجیگری کنی تا ازدواج آنها به سامان برسد.

در حدیثی دیگر از امام کاظم آمده است:

سه طایفه‌اند که در روز قیامت در سایه عرش خدا قرار می‌گیرند، روزی که سایه‌ای جز

27. علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ج 2، انتشارات اسلامی، ص 64.

28. نور/132.

29. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 14، ص 489.

30. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 20، باب 12 از ابواب مقدمات نکاح، حدیث 1، موسسه آل‌البیت، 1413، ص 27.

سایه او نیست: طایفه نخست کسی است که وسایل تزویج برادر مسلمانش را فراهم سازد؛ طایفه دوم کسی است که به نیازمند و محتاجی خدمت کند؛ طایفه سوم کسی است که اسرار برادر مؤمنش را فاش نکند.³¹

اهداف تمدن اسلامی

دو هدف اساسی تمدن اسلامی عبارت‌اند از: 1. خدمت به بشریت؛ 2. استقرار عدالت.

خدمت به بشریت

هدف نخست: درحالی‌که نماد تمدن غربی (امپریالیسم)، سلطه، سیطره و به‌زنجیرکشیدن ملت‌های مظلوم، فقیر و فشارآوردن بر آنان است، اما ندای جاودانه و رهایی‌بخش اسلام برای آزادی و خدمت به انسانیت، سه راهکار را اعلام و ارائه می‌نماید:

1. آزادی انسان‌ها از قید و بند و رهایی از چنگال اسارت؛ به‌همین جهت پیامبران آمده‌اند تا به انسان آزادی بخشیده و بارهایی که بر دوش آنها از سوی استکبار گذاشته شده را بردارند:

(وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ)³²؛ پیامبران بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر مردم نهاده شده بود برمی‌دارد.

2. رفع اختلافات و نزاع‌ها (ایجاد صلح و وحدت)؛ جامعه انسانی همواره در آتش و شعله فتنه مخالفت‌ها سوخته است؛ در پی آن نیروهای عظیم انسانی و امکانات فراوان سرزمینی در راه اختلاف و تبعیضات نابود شده‌اند؛ از این رو قرآن یکی از فواید حضور انبیا را رفع اختلاف معرفی می‌کند:

(كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ)³³

مردم امتی یگانه بودند؛ خداوند پیامبران را نویدآور و بیم‌دهنده فرستاد و با آنان کتاب خود

31. همان، حدیث 1.

32. اعراف/157.

33. بقره/213.

را به حق فرستاد تا میان مردم در آنچه که باهم اختلاف داشتند قضاوت و داوری کند.

(إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ)³⁴؛ همانا مومنین برادرند.

همچنان که سفارش می‌کند همگان به ریسمان الهی چنگ‌زده و پراکنده نشوند:

(وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا)³⁵؛ همگان به ریسمان الهی (قرآن) تمسک جوید.

3. تعاون و همکاری؛ قرآن کریم به صراحت اعلام می‌دارد: (وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى).³⁶

جامعه‌شناسان یکی از کارکردها و فواید دین را تحقق همبستگی و ایجاد وحدت می‌دانند:

«راپرتسون اسمیت» می‌گوید: «دین دو کارکرد دارد: یکی تنظیم رفتار فردی برای خیررسانی برای همگان و

دیگری برانگیختن احساس اشتراک و وحدت اجتماعی...»³⁷

رابطه انسان با انسان در تمدن اسلامی

رابطه افراد با یکدیگر بنا بر تعالیم اسلامی در عهدنامه امیرالمؤمنین علی به صورت باشکوهی بیان شده است که اگر

جهانیان به آن عمل کنند، هیچ‌گونه اختلاف، تفرقه، زورگویی و استعمارگری وجود نخواهد داشت. آن حضرت در

فرازی از عهدنامه مالک اشتر می‌فرماید:

و اشعر قلبک الرّحمة للرّعیة، و المحبة لهم، و اللطف بهم، و لا تكوننّ علیهم سبعا ضارياً

تغتتم اکلهم، فانهم صنفان: اما اخٌ لك فی الدّین، او نظیرٌ لك فی الخلق؛³⁸

قلبت را پوشش رحمت برای مردم و دوستی با آنان و مهربانی با همگان قرار ده و همچون

جانوری درنده نباش که خوردن مردم را غنیمت شماری؛ زیرا مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای

برادر دینی تو و دسته‌ای نیز در آفرینش با تو هم‌نوع‌اند.

شیخ اجل سعدی چه زیبا پیوند انسان‌ها با یکدیگر را در سفر خویش بازتاب داده است:

34. حجرات/1.

35. آل عمران/103.

36. مائده/2.

37. ملکم همیلتون، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، رابطه انسان با انسان در تمدن اسلامی، ص 170.

38. نهج البلاغه، نامه 51.

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار دگر اعضاها را نماند قرار

عدالت در تمدن اسلامی

برپاساختن و حاکمیت جهانی عدالت یکی دیگر از اهداف بلند تمدن اسلامی است؛ زیرا عدالت بزرگ‌ترین رکن اسلام است؛ در اندیشه اسلامی نظام عالم و حیات آدم در عدل تکوینی و تشریحی خداوند ریشه دارد؛ یعنی از نظر آفرینش هر چیزی در جایگاه خویش و به اندازه و متعادل قرار داده شده است. قرآن در این باره می‌فرماید:

(وَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا)؛³⁹ همه چیز را آفریده و به دقت اندازه‌گیری نمود.

قوانین و احکام اسلام که اداره تمام شؤون زندگی انسان را دربرمی‌گیرد نیز در مصلحت و عدالت سرچشمه دارد؛ چنان‌که آیات قرآن برپایی عدل را از اهداف نبوت برشمرده است:

(لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ)؛⁴⁰
ما رسولان را به دلایل آشکار فرستادیم و به آنها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم عدالت را برپادارند.

قلمرو عدالت در اسلام

بشر همواره در زندگی مورد ظلم و بی‌عدالتی‌ها واقع شده و روح او را آزرده است؛ تصفیه‌های قومی، نسل‌کشی، مهاجرت‌های اجباری، انواع تعارضات (قومی، منطقه‌ای و بین‌المللی) و کشتارهای عمومی، وحشت‌انگیزترین نمونه‌هایی از ظلم‌هایی هستند که بر انسان‌ها تحمیل شده است؛ چنان‌که اکنون نیز کشمکش‌های خشونت‌آمیز که

39. فرقان/2.

40. حدید/2.

در سراسر جهان به گونه‌ای فزاینده بر پایه تقسیم‌بندی‌های قومی و تبعیض‌های ناروا استوار است جریان دارد؛ توسعه‌طلبی جهان غرب به صورت روزافزون بیشتر شده و ساختارهای سیاسی بین‌المللی ظالمانه است؛ این‌ها نمونه‌های پیامدهای تمدن غربی است.

اما عدالت مورد نظر اسلام، عدالتی انسانی است؛ یعنی تمام جوانب و شئون زندگی او را در برمی‌گیرد و گستره و محدوده آن، دایره انسانیت است. ارزش و اهمیت عدالت در اسلام به حدی است که خدای سبحان به آن دستور داده و آن را واجب می‌کند:

(إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ ...)؛⁴¹ خداوند به اجرای عدالت فرمان می‌دهد.

قرآن کریم عدالت را در زمینه‌های گوناگون تعمیم داده است؛ چنان‌که چگونگی عدالت در شهود، در آیه 282 سوره بقره، عدالت در قضاوت، در آیه 129 سوره نساء، عدالت در گفتار، در آیه 125 سوره انعام و قیام به عدل را در تمام مراحل زندگی، در آیه 8 سوره مائده بیان گردیده است.

نتیجه‌گیری

در تاریخ سیاسی گذشته جهان تا زمان زیادی نظام‌های جهان به دو دسته لیبرال‌دموکراسی و کمونیستی (سوسیالیستی) تقسیم می‌شدند؛ پس از گذشت زمانی طولانی از برپایی جنگ سرد میان دو ابرقدرت شرق و غرب با رویدادی ناباورانه، حکومت‌هایی شوروی سابق و در سراسر اروپای شرقی همچون کوه استوار بودند یک شبه بر افتادند؛ اکنون نظام سیاسی غرب نیز خود دچار بحران‌های فزاینده است: از یک سو لیبرال-دموکراسی در هر آزمونی که داده خصوصاً در آزمون کرونا مردود شده و از سوی دیگر جهانیان را با چالش‌ها و مخاطرات غیرقابل کنترل روبه‌رو نموده است.

جامعه‌شناس معروف، آنتونی گیدنز نیز درباره چالش‌هایی که نظام لیبرال‌دموکراسی در سراسر جهان با آن روبه‌روست می‌گوید: «لیبرال‌دموکراسی تقریباً در همه جا با معضلاتی روبه‌رو است...؛ دموکراسی در کشورهایی که مهد اصلی آن بوده‌اند دچار دردهای زیادی است؛ برای مثال در بریتانیا، اروپا و ایالت‌متحده آمریکا پیمایش‌ها نشان می‌دهند که نسبت‌های فزاینده از مردم از نظام‌های سیاسی خود ناراضی‌اند».⁴²

اعتراضات مردمی در کشورهای غربی، جدایی انگلستان از اتحادیه اروپا، حاشیه‌ها و رویدادهای آمیخته با افشاگری رقبای انتخاباتی در انتخابات ریاست جمهوری اخیر آمریکا، تنفر و انزجار گروه‌های تروریستی مورد حمایت کشورهای غربی، همگی نشانه‌های ناخشنودی و بدبینی و بی‌اعتمادی جهانیان از تمدن غربی و نظام‌های سیاسی حاکم بر آن است.

در این وضعیت بحرانی و نابسامان زمینه جهان‌شمولی تمدن اسلامی بیش از هر زمان دیگر فراهم گردیده است.

در این میان دانشوران، اندیشمندان، سیاستمداران و فعالان فرهنگی و اقتصادی مسلمان، در برابر تمدن غرب

با چهار رهیافت روبه‌رو هستند:

نخست: توسعه انسانی

توسعه انسانی فرایندی است که باید دربرگیرنده بهبودی مداوم و همه‌جانبه عرصه‌های زندگی و دستیابی به ابعاد گوناگون رشد و تکامل (معنوی و مادی) جامعه و فراهم‌سازی زمینه‌های شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌ها در بستر عدالت اجتماعی باشد.

دوم: توسعه اقتصادی

دو عنصر اساسی در توسعه اقتصادی باید طبق قانون عادلانه اسلام سامان‌دهی گردند این دو عنصر عبارت‌اند از: 1. رفاه عمومی، یعنی وضعیت معیشتی مردم به‌گونه‌ای باشد که تمامی افراد جامعه از امکانات زندگی مانند کار، بهداشت، درمان، مسکن، تغذیه، آموزش و... تا اندازه کافی برخوردار باشند؛ 2. تعدیل در ثروت؛ یعنی نظام تولید، توزیع خدمات، دستمزد و سرمایه‌گذاری و تجارت، بر پایه تعالیم اسلامی عادلانه سامان یابد.

سوم: توسعه تکنولوژی

در تمدن اسلامی، صنعت و تکنولوژی و علم و اقتصاد در اختیار و خدمت بشریت قرار می‌گیرد تا هیچ‌گونه زمینه تحریم، تبعیض، استثمار و استعمار به‌وجود نیاید؛ زیرا همچنان پیش‌ترگفته شده یکی از اهداف تمدن اسلامی به پیروی از تعالیم اسلام، خدمت به بشریت است.

چهارم: ایجاد وحدت و همدلی

ایجاد وحدت و برادری میان فرقه‌ها و کشورهای اسلامی و از میان بردن ریشه‌های اختلاف بر محوریت الله، محمد و قرآن و کعبه، یکی از وظایف عمده مسلمانان است؛ از این‌رو همه افراد به‌ویژه رهبران دینی و سیاسی جامعه مسلمین باید اصلی‌ترین عامل انحطاط را که تفرقه و اختلاف است از بین ببرند و به ندای خداوند که فرمود:

(وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا...); گوش فرا داده و به آن عمل کنند.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، نامه 53.
- جوادی آملی، انتظار بشر از دین، قم، انتشارات اسراء، 1387.
- آگناسبورامونه، آیا جهان به سوی هرج و مرج می رود، ترجمه پریچهر شاهسونند.
- ترجمه مهدی نکویی، به نقل دین و فرایند جهانی شدن، چ 4، 1387.
- ویل دورانت، تاریخ تمدن، مترجم: احمد آرام و ع پاشایی، چ 12، ج 1، تهران، 1385.
- علامه طباطبائی، تفسیرالمیزان، چ 2، انتشارات اسلامی.
- مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، چ 55، ج 1 و 14، 1387.
- گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، چ 3، 1388.
- ملکم همیلتون، جامعه شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، رابطه انسان با انسان در تمدن اسلامی.
- دشتی، دایرةالمعارف جامع الاسلامی، ج 3.
- عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- معین، محمد، فرهنگ معین، ج 1 (آ - خ)، تهران، انتشارات امیرکبیر، 1371.
- اسکات، پیتر، فرهنگ و جامعه، ترجمه مهدی نکویی، به نقل دین و فرایند جهانی شدن، چ 4، 1387.
- دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه، ج 5، تهران، انتشارات دانشگاه، 1377.
- طبرسی، مجمع البیان، ج 1 و 4.
- شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه، ج 20، باب 12 از باب مقدمات نکاح، موسسه آل البیت، 1413.